

## چند نمونه از نفائس موزه آستان قدس

بلاشك موزه آستان قدس رضوی یکی از تاسیسات مهمی است که به علت داشتن اشیاء نفیس و عتیق و در مقام مقایسه با سایر موزه ها واجد اهمیت بسیار می باشد . ساختمان این موزه به امر اعلیحضرت رضاشاه کبیر در آبان ماه سال ۱۳۱۶ شمسی شروع شد و در سال ۱۳۲۴ برای استفاده و بازدید همگان گشایش یافت . زائران و جهان گردانی که از اقصی نقاط جهان برای مشاهده موزه آستان قدس می آیند شیفته آثار هنری صنعت گران ایرانی و مسلمان می شوند و به عظمت تمدن کهن سال این سرزمین باستانی گواهی می دهند .

روزی که به امر اعلیحضرت رضا شاه کبیر ساختمان موزه به انجام رسید متصدیان امر برای تزیین و دسته بندی آثار تاریخی و باستانی و اشیاء نفیس موزه رضوی بذل جهد کردند و بر اثر همین مساعی ، امروز کسانی که از این موزه بازدید می کنند مجذوب زیبایی و هنر می شوند و حق اینست که تا کنون در نگاهداری و حفظ این آثار پر ارزش کمال کوشش و مجاهدت بعمل آمده است .

چنان که می دانیم موقعیت جغرافیایی و سیاسی خراسان طوری بوده است که گاه و بیگاه در معرض تاخت و تاز قبایل مهاجم واقع شده است و در نتیجه مقداری از آثار هنری و گرانبهایی که مردم باایمان به این آستان ملایک پاسبان تقدیم کرده بودند ضمن غارتها و حمله ها از بین رفته است باوجود این آنچه از گزند حوادث مصون باقی مانده نمودار استعداد ذاتی و ایمان هنرمندان و صنعت گران ایرانی و مسلمان است و در عین حال گنجینه گرانبها و پرارزشی را تشکیل می دهد .

در این مقاله چند نمونه دیگر از اشیاء نفیس موزه آستان قدس معرفی می شود:

## ۱ - پنجره فولادی زرکوب

این پنجره برزوی پایه‌هایی از سنگ مرمر نصب شده و در تالار تحتانی موزه نگاهداری می‌شود. شماره پلاک اموال آن ۱۳۸۶ الف، است.



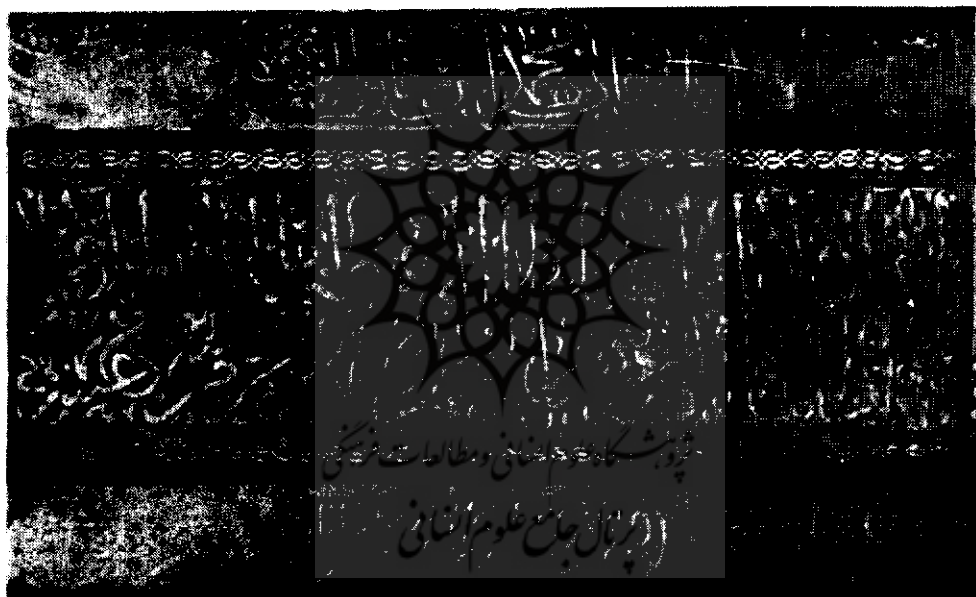
منظره عمومی پنجره فولادی

شکل هندسی این پنجره تشکیل می‌شود از یک چهارچوب فولادی که دولنگه پنجره در آن قرار گرفته است. طول آن ۱۲۵ سانتی متر و عرضش ۹۹ سانتی متر است.

وهرلنگه آن به ابعاد ۱۰۵ و ۳۹ سانتی متر می باشد .

اما چهار چوبه کاملا متقارن نیست به این ترتیب که ابعاد طرف راست ۱۲۵ و ۱۹ و ابعاد طرف چپ ۱۲۵ و ۶ سانتی متر است . پنجره را به امر شاهرخ تیموری در محرم سال ۸۱۷ ساخته اند .

در کتیبه بالای پنجره به خط نسخ بر جسته و زیبا چنین آمده است :  
« امر بعمارة هذا البنجره من خاص ماله السلطان الاعظم مالك رقاب الامم معز الدنيا والدين شاهرخ بهادر خداالله ملكه » و در کتیبه دیگری که ما بین پنجره است

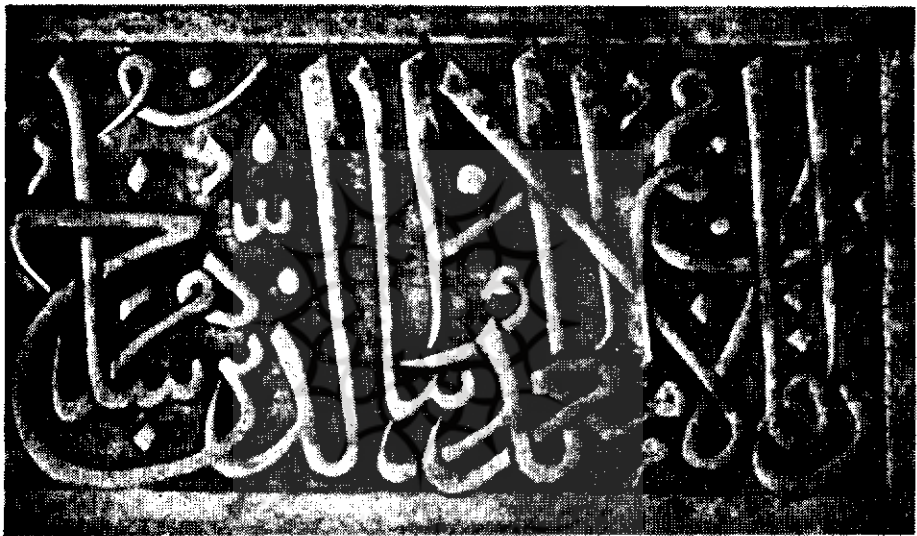


قسمتی از کتیبه پایین پنجره

تصريح شده که استاد شيخ علي خودگر بخارائي ومولانا شمس طبسي ومحمود كوفتگر وخواجه حسين زاهد آن را ساخته وپرداخته اند . عبارت این کتیبه چنین است :  
« اعز لمولانا السلطان الاعظم مالك رقاب الامم سلطان سلاطين العرب والعجم تمت في شهر محرم من سنه سبع عشر وثمانمائه عمل استاد شيخ علي خودگر بخارائي عمل استادان كوفتگر مولانا شمس طبسي واستاد محمود كوفتگر واستاد باسعادت وباشرافت

خواجه حسین زاهد» که از آغاز عبارت تا آخر ثمانمائے را در لنگه راست و بقیه عبارت را در لنگه چپ کتیبه کرده اند .

و نیز در میان دو ترنج کوچک در صدر و ذیل کتیبه پایین لنگه راست چنین آمده است . « عمل حاجی محمد ابن علی حافظ اسفراینی تمت فی شهر محرم سنه سبع عشر و ثمانمائے » .



قسمتی از کتیبه بالای پنجره

اهمیت هنری این پنجره در شبکه کاری و کنده کاری و طلا کوبی آنست . غیر از آن که در بعضی جاها کتیبه‌های زرین و مشبکی دارد نقوش هندسی زیبایی که بیشتر به شکل لوزی در آورده‌اند آن را زینت می‌دهد و زیبایی خط کتیبه‌ها و مهارتی که در به عمل آوردن آن روی فولاد اعمال شده شایان توجه و تحسین است . پنجره را در سال ۹۸۴ تعمیر کرده‌اند زیرا در کتیبه دیگری چنین ذکر شده است: « و افاض علی کافة العالمین بره و عدله و احسانه و از مال ایالت دستگاه محمد بیک موصولو تر کمان به تجدید مرمت یافت این پنجره مبارکه باضافه آلات برنجی در

تاریخ شهر جمادی الاخر سنه اربع و ثمانین و تسعمائه من الهجرة کتبه حسن بن رضابن حاجی محمود الخادم .

## ۲ - آفتابه میناکاری

شماره پلاک اموال این آفتابه ۴۹۹۰ الف، است و احتمال می رود در قرن دوازدهم هجری در اصفهان ساخته شده باشد. از لحاظ میناکاری و زیبایی یکی از اشیاء نفیس و جالب توجه موزه آستان قدس شمرده می شود.

اگر چه لوله آن کمی ضرب دیده و در بعضی جاها میناهایش ریخته است ولی سرشار از زیبایی و ذوق است. نقوش مختلفی از قبیل گلهای کوچک و شاخه مو بابرک و میوه به رنگ آبی بر روی دسته و پایه و گردن و لوله خمیده آن بچشم می خورد که همه در حد خود فریب است. در بدنه آفتابه چهار ترنج ساخته اند که با بوتهای گل سرخ تزیین شده و بیننده را به تحسین وادار می دارد.

مشخصات آن بدین قرار است :

ارتفاع ۳۲ سانتی متر

محیط

شماره ۵۰ گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

طول دسته ۲۵

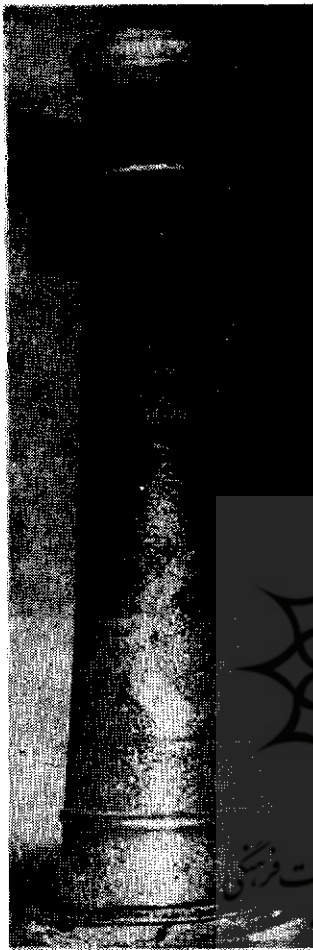
رنال جامع علوم انسانی

طول لوله ۲۰

قطر دهانه ۸

## ۳ - پیه سوز روغنی

این پیه سوز به شکل مخروط ناقص است که بدنه آن را با شاخ و برگهای بهم پیچیده زینت داده اند و در حقیقت از هفت قسمت مجزا تشکیل یافته است. در قسمت اول یا بالای آن چهار ترنج ساخته اند که دو بیت شعر را در آن



منظره عمومی پیه سوز

حك کرده اند، هر مصراع دريك ترنج :  
 شاهی که کحل هر بصر از خاک پای اوست  
 دائم شفای خلق ز دارالشفای اوست  
 گردون مطیع و چرخ بفرمان رای اوست  
 سلطان رضا که حکم قضا بر رضای اوست  
 و در چهار ترنج کوچکتر که يك در  
 میان بین ترنجهای بزرگ بالا واقع شده این  
 عبارت را کتیبه کرده اند :

« بنده اسکندر ، ابن شکرالله ، ساخت  
 درهند، این بیضاله » که رویهمرفته يك بیت  
 شعر را تشکیل می دهد .

و سایر قسمتهای هفت گانه را با اشکال  
 گل و بوته تزئین داده اند .

نام سازنده و تاریخ آن در داخل ترنجی  
 بر بدنه پیه سوز بدین قرار آمده است : « عمل فقیر استاد داود ریخته گر ساخت لاهور  
 تاریخ اول ماه جمادی الثانی سنه نهصد و -  
 چهل و شش » .

پیه سوز لگنی دارد که بعضی جاهای آن به مرور زمان خورده شده است .

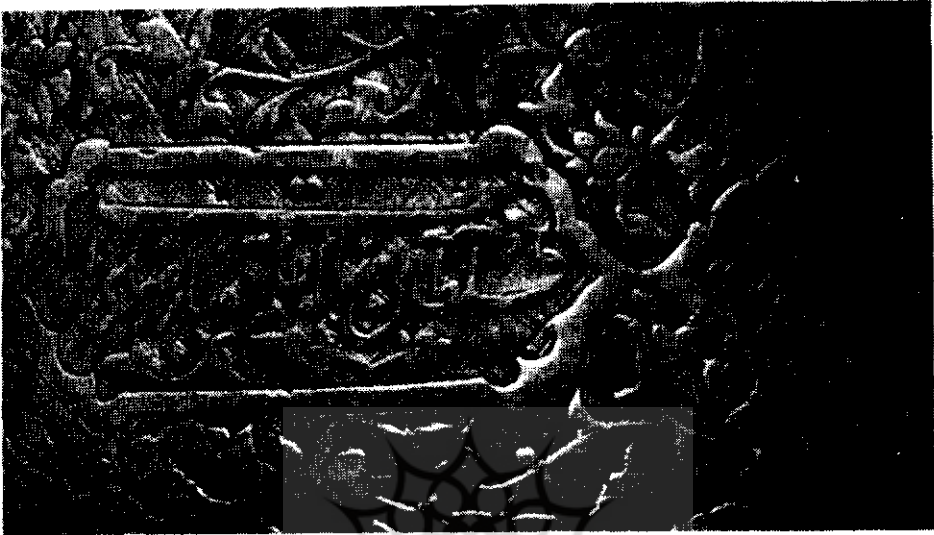
ابعاد پیه سوز :

ارتفاع ۹۰ سانتی متر

قطر دهانه فوقانی ۲۰

قطر تحتانی ۳۸

شماره دفتر اموال آن ۱۲۵۳ ، است .



نمونه‌ای از بدنه پیه سوز و کتیبه‌های آن

#### ۴ - جام برنجی ( شماره پلاك اموال ۱۰۱۹ )

این جام شاهکاری از هنر کنده کاری و خطاطی بر روی فلز است . از حاشیه‌ها و ترنج و اشکال مختلف که مایه زینت آن شده است گذشته ، با مهارت زیادی آیات کلام الله مجید را به خط ریز خفی کتیبه کرده‌اند . مقداری از کلمات این کتیبه‌ها بر اثر مرور زمان و تماس زیاد محو شده است و به زحمت خوانده می‌شود ولی بر رویهم ارزش هنری آن محفوظ مانده است . در داخل جام دو کتیبه به خط جلی است در سراسر لبه جام کتیبه‌ای است شامل صلوة کبیره که اسم رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار صلوة الله علیهم اجمعین را در بر دارد و در آخر آن سنه ۱۳۴۱ خوانده می‌شود .

در کتیبه دیگر که در پایین جام است سوره شریفه «النصر» را حک کرده‌اند . در بین دو کتیبه بدنه جام دوازده ترنج انداخته و در آنها صور بزوج دوازده گانه

(حمل، ثور، جوزا و....) نقاشی شده است. داخل کعب جام عبارت « راتبه بنت علیخان » کتیبه شده است. قطر دهانه جام ۱۹ سانتی متر و ارتفاع آن ۶ سانتی متر است. احتمال می رود این جام کار اصفهان باشد.

### علی اکبر شبیریان

### ذیل

#### ۱- پنجره فولادی

در عبارت کتیبه بالای پنجره کلمه سبع را تسع هم می توان خواند ولی چون در کتیبه دیگر تصریح به سبع عشر شده معلوم می شود همان سبع صحیح است و آن را در سال ۱۸۱۷ ساخته اند. از مجموع عبارتها این طور فهمیده می شود که این پنجره با همکاری چند نفر ساخته شده است که همگی از استادان خراسانی بوده اند. خود گری همان خود سازی است زیرا گر پسوند پیشه و کار و سابقه است ( دار مستتر به نقل در دستورنامه ص ۲۷۱ چاپ دوم) نظیر درود گر و مسگر و غیره. کوفتگری یا کوفته گری ظاهراً اشاره به طلا کوبی و آهن کوبی است زیرا کار کردن روی فولاد و آهن و طلا کوبی آن خود صنعتی مهم بوده است. همین طور در شمدان به ریخته گری بر می خوریم که کار مهمی بوده است و هنوز هم کسانی با این کار امرار معاش می کنند.

۲- در راهنمای موزه آستان قدس رضوی که به اهتمام آقای دکتر حبیب الله صمدی چندین سال قبل چاپ شده است اطلاعات مختصر و مفیدی در باره تاریخچه موزه و نقاشی آن هست. این پنجره و پیه سوز در آنجا معرفی شده است پیه سوز در صفحه ۲-۳ به شماره ۵۸ به اختصار معرفی شده ولی دو کلمه تاریخ و این را در خواندن عبارت آن از قلم انداخته اند و توجه نکرده اند که يك مصراع شعراست نه عبارتی به نثر. پنجره فولادی نیز در صفحه ۳-۳۳ به شماره ۵۹ معرفی شده است. در نوشته ها چند مورد اختلاف قرائت هست که باید یادآوری شود:

اعزالمولانا	اعزالمولانا
سلطان الاعظم	سلطان المعظم
سلطان السلاطین	سلطان السلاطین



در مورد «تخت فی» تردید کرده اند شاید «فی تمت باشد» و ذو وجهین خوانده اند «باسادت و باشرافت» را «باسادت و شرافت» خوانده اند .

در عبارت تعمیر و افاض را «واظن» خوانده اند که به کلی غلط است . و از مال ایالت دستگاه را ، «المال ایالت دستگاه» خوانده اند یعنی و المال را بقیه عدله و احسانه گرفته اند .

### ۳- آفتابه ، ابریق

آفتابه در قدیم برای شستن دست و دهان قبل و بعد از غذا بکار می رفته است و آدابی مخصوص به خود داشته است . هنوز هم در جاهای دورافتاده و بعضی از نقاط ایران که پای- بند به سنن قدیم هستند متداول است . مثل « آفتابه لکن هفت دست . . . . . » حکایت از نسبت آن با تجمل و حشمت دارد مثل بام و برف .

آفتابه‌هایی دست شوی بالوله‌های بلند و منحنی و اشکال مخصوص هنوز در خانه‌ها ، سمساری‌ها ، موزه‌ها باقی است و بعضی از آنها حکایت از حوصله و مهارت سازندگان آنها دارد . در برهان قاطع آفتابه نیست ولی آقای دکتر معین در حواشی کتاب آورده اند که در بعضی از لهجه‌ها مثل تظنزی و گیلکی بوده است . صاحب آندراج آفتابه را فارسی و مرکب از آب و تابه می داند .

در مثنوی قدیم غالباً به جای آفتابه ، ابریق دیده می شود . مثلاً در راحة الصدور راوندی که بنام قلج ارسلان سلجوقی تالیف شده ضمن داستان باباطاهر و طغرل سلجوقی آمده است « باباسرا بریقی شکسته را سالها از آن وضو کرده بوذ در انگشت داشت » ( ص ۹۹ چاپ لیدن ) صاحب آندراج ابریق را معرب آب ریز می داند که در جمع ابریق می شود . ادی شیر نیز تایید کرده است کلمه ابریق معرب آب ریز است و در فارسی به دلو و کاسه حمام و سطل و امثال آن گفته می شود یعنی اسم عام یا اسم جنس است . و می گوید در ترکی و کردی هم ابریق می گویند . در فرانسه Broc در ایطالیایی Brocca است و در آلمانی تقریباً Kru (الفاظ الفارسیة المعربة چاپ افست ص ۶)

### تقی بینش